

ظهور شهروند جهانی، پیامد فرهنگ صلح

مهتاب حاتمی

دانشجوی گروه مدیریت فرهنگی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

محسن عامری شهرابی

استادیار دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohsen.amerishah@gmail.com

سراج‌الدین محبی

استادیار، گروه مدیریت فرهنگی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

چکیده

امروزه فرایند جهانی شدن با شتاب روزافزون در حال عبور از مرزهای سیاسی، محدوده‌های فرهنگی و حریم‌ها است. به واسطه‌ی جهانی شدن و ترویج فرهنگ صلح سرنوشت تمامی افراد، سازمان‌ها و حکومت‌ها بیش از پیش به یکدیگر گره خورده و تأثیرات این فرایند بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری غیرقابل انکار گردیده است. لذا مطالعه ملزومات و پیامدهای حاصل از حضور فرهنگ صلح بر شرایط شهروندان لازم به نظر می‌آید. پژوهش حاضر از نظر هدف، نظری و کاربردی و از نظر رویکرد کیفی است و از استراتژی داده بنیاد بهره گرفته است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. روش گردآوری داده‌ها براساس مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته بود. جامعه آماری پژوهش شامل نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه تحقیقاتی پژوهش بودند. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) انجام شد و مصاحبه‌ها تا اشباع نظری کامل پیش رفت. به جهت اطمینان از نقطه اشباع نظری مراحل اجرای مصاحبه‌ها تا نمونه هفدهم ادامه یافت. جهت اطمینان از پایایی ابزار، علاوه بر روش حسابرسی از روش توافق درونی (درون موضوعی) بهره برده شد. برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل بنیاد استفاده گردید. با توجه به داده‌های به دست آمده، مولفه «ترویج حقوق شهروندی» ۶۷ درصد و مولفه «جهانی شدن» تقریباً ۵۱ درصد از واریانس عامل «شهروند جهانی» را تبیین می‌نماید. در نهایت می‌توان اذعان داشت برقراری آرامش در حیات انسان‌ها با آمره شدن قواعد حقوق بشر در جهانی شدن به عنوان اولین و مهمترین هدف نظام بین‌المللی به صورت فرهنگ صلح در قالب مطالعات صلح ظهور و نمود یافته است. آموزش فرهنگ صلح بر حسب پیامدها و نتایجی که از آن پدیدار می‌شود، عامل ارتقای بینش جهانی از نوع هشپاری و آگاهی اصیل است که همه ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک شهروند جهانی رفتار نماییم.

کلیدواژه‌ها: صلح، فرهنگ، فرهنگ صلح، الگوی مفهومی، داده بنیاد، شهروند جهانی.

مقدمه

«صلح» یک آرمان جهانی تلقی می‌شود و بی‌شک در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز بشریت به ارمغان خواهد آمد. امروز، لازمه ایجاد صلح، درک واقعیت‌های جدید جنگ و نیز روشی است که از طریق آن، جان انسان‌ها و هویت‌های آنها در نقاط مختلف جهان در جریان خشونت‌هایی که به قلب ارزش‌های فرهنگی و مذهبی مردم حمله‌ور می‌شود، مورد تعرض قرار می‌گیرد.

صلح، آرمان متعالی جامعه بشری و رسالت ادیان الهی است که بشر آن را در مقاطع مختلف تاریخ حیات خود به صورت‌های گوناگون از جمله گفتگوهای بین دینی پیگیری نموده است. دین مبین اسلام که خود منادی صلح در جهان است در آموزه‌های خود به خوبی اهمیت این اصل را مشخص می‌سازد. بسیاری از اندیشمندان و متفکرین حاضر، «اصل گفتگو» را ضروری‌ترین ابزار برای مقابله با خشونت و افراطی‌گری دانسته و امیدوارند در تداوم گفتگوهای مثبت و سازنده دینی به عالی‌ترین و بهترین هم‌اندیشی و همکاری در عرصه بین‌الملل دست یابند. همچنین، نیل به جهانی عاری از خشونت و افراط‌گرایی، علاوه بر تلاش دولت‌ها به طور معمول، نیازمند فعالیت سازمان‌هایی است که خود را وقف تحقق صلح، امنیت، عدالت و سایر ارزش‌ها و آرمان‌های والای انسانی کنند.

تاریخ زندگی بشر از بدو خلقت گرفته تا به امروز که بشریت به دوران به اصطلاح پست مدرنیسم گام نهاده، همواره با مسأله و مشکل جنگ دست به گریبان بوده و هست. بشر از روزی که پا روی این کره خاکی گذاشته، تا امروز که شریعت خود را در بالاترین مرحله مدنیت احساس می‌کند هیچ وقت از جنگ و خونریزی، قتل و کشتار فارغ نبوده است.

صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، همواره انسان‌ها چه از نظر تئوریک و چه به

لحاظ راه‌حل‌های عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند. دکتر بیگدلی در کتاب «حقوق جنگ» خود به نقل از یکی از حقوقدانان نوشته است: «از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته شده برای بشر، تنها ۲۵۰ سال بشریت در صلح عمومی بسر برده است». تاریخ سیاسی جهان شاهد عهدنامه‌ها و قراردادهای دو یا چندجانبه بین دولت‌هاست که نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های بشری در راه برقراری صلح و همزیستی است. درحقیقت تلاش برای صلح همواره به موازات اقدام برای تجاوز و جنگ‌افروزی در روابط بین‌ملت‌ها ادامه داشته است.

در تمام قرون گذشته همواره صلح مترادف با نبودن جنگ بوده است یعنی هر وقت می‌خواستیم صلح را تعریف کنیم، آن را رو در رو و در تضاد با جنگ معرفی می‌کردیم، با این مفهوم که اگر جایی جنگ نباشد، صلح است. بر همین اساس از نیمه دوم دهه هشتاد میلادی، تلاش‌های دیگری برای تعریف صلح آغاز شد. صلح از یک مفهوم سیاسی و حقوقی به سوی یک مفهوم فرهنگی و انسانی گرایش پیدا کرد، تئوری‌هایی که پیرامون گفتگو، حل مسأله، ارزش‌های زندگی، تفاهم و... مطرح شد، به نوعی زیر بنای نگرش تازه‌ای به صلح شد. این اعتقاد شکل گرفت که فرهنگ صلح نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که بدون این زیرساخت‌ها نمی‌توان به صلح دست یافت. با این تفاسیر دیگر از صلح به تنهایی یاد نمی‌شود بلکه چیزی که مهم است فرهنگ صلح است، یعنی برای دست یافتن به صلح لازم است مبانی و ارکانی را که زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی است را به وجود آورد. در این تعریف صلح دیگر نه محدود به نبودن جنگ است و نه محدود به نفی خشونت، بلکه صلح فضایی است که در آن برابری، آزادی و انسان‌مداری وجود دارد.

در این دهه بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی و... بسیج شدند تا

بتوانند به ترویج فرهنگ صلح یاری رسانند و دنیایی بهتر را برای تمام مردم جهان فراهم آورند.

مبانی نظری و تعاریف

صلح یکی از مهمترین مفاهیم سیاست بین‌الملل است. برای تحلیل صحیح‌تر این مفهوم چند دیدگاه و رویکرد شاخص وجود دارد که به نحوی تمام تحلیل‌ها در زمینه صلح در قالب آنها شکل می‌گیرد. در سیاست بین‌الملل از سه منظر و رویکرد به صلح نگریسته می‌شود. رویکرد رئالیسم رویکرد لیبرالیسم و رویکرد سازه‌انگاری. در رویکرد واقع‌گرایی ناامنی همواره تهدید کننده واحدهای سیاسی است و برقراری صلح و امنیت هدفی است که دولت‌ها در پی آن هستند. قدرت از جمله عوامل بروز جنگ می‌باشد، به همین دلیل تنازع و رقابت و ناامنی گسترده در سیاست بین‌الملل در نتیجه کنش بازیگران برای بدست آوردن قدرت است در حقیقت در رویکرد واقع‌گرایی به معنی نبود تهدید امنیت فیزیکی و آن هم از نوع نظامی آن می‌باشد. (شفیع، ۱۳۹۲). در برابر این رویکرد دیدگاه لیبرال‌ها قرار دارد که مطالعات امنیتی خود را بر پایه صلح استوار کرده و معتقدند زور و قدرت نمی‌تواند تضمین کننده صلح جهانی و شهروندی باشد زیرا شکست خوردگان در صدد چالش مجدد با پیروشدگان می‌باشند (همان، ۱۳۹۲). سازه‌انگاری نیز به عنوان رویکردی در مطالعه سیاست بین‌الملل خود ترکیبی از رویکردهای دیگر است. در واقع می‌توان سازه‌انگاری را حدفاصل نئورئالیسم و نئولیبرالیسم دانست. پیروان این مکتب بر این باورند که نگرش‌های جهان وطنی و اجتماع‌گرایی موجب بروز صلح شده است (همان، ۱۳۹۲).

صلح

صلح از مهمترین مفاهیم سیاست بین‌الملل است. برای تحلیل صحیح‌تر این مفهوم چند دیدگاه و رویکرد شاخص وجود دارد که به نحوی تمام تحلیل‌ها در زمینه صلح در قالب آنها شکل می‌گیرد. در سیاست بین‌الملل

از سه منظر و رویکرد به صلح نگریسته می‌شود، رویکرد رئالیسم رویکرد لیبرالیسم و رویکرد سازه‌انگاری. در رویکرد واقع‌گرایی ناامنی همواره تهدید کننده واحدهای سیاسی است و برقراری صلح امنیت هدفی است که دولت‌ها در پی آن هستند، قدرت از جمله عوامل بروز جنگ می‌باشد. به همین دلیل تنازع و رقابت و ناامنی گسترده در سیاست بین‌الملل در نتیجه کنش بازیگران برای بدست آوردن قدرت است. در برابر این رویکرد دیدگاه لیبرال‌ها قرار دارد که مطالعات امنیتی خود را بر پایه صلح استوار کرده و معتقدند زور و قدرت نمی‌تواند تضمین کننده صلح جهانی باشد. سازه‌انگاری نیز بعنوان رویکردی در مطالعه سیاست بین‌الملل خود ترکیبی از رویکردهای دیگر است. در واقع می‌توان سازه‌انگاری را حدفاصل نئورئالیسم و نئولیبرالیسم دانست (شفیعی، ۱۳۹۲). واژه صلح در لغت به معنای آشتی، دوستی، سازش و..... به کار می‌رود. در فرهنگ سیاسی صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی با کشورها و فقدان جنگ و نظام تهدید است. از نظر روابط بین‌الملل مقصود از صلح احتراز از اختلاف و صلح ثبات نسبی و فقدان اختلاف است. نظریه صلح از سال ۱۹۶۴ و با دیدگاه‌های «گالتونگ» در مورد صلح و جنگ شاهد تغییرات مهمی بوده است. گالتونگ^۱ خشونت و جنگ را به این صورت تعریف می‌کند: زمانی که انسان تحت تاثیر قرار می‌گیرد، به طوری که این تاثیر درک ذهنی و فیزیکی واقعی او را پایین‌تر از درک بالقوه وی قرار می‌دهد (گالتونگ، ۲۰۰۷).

فرهنگ صلح

صلح به عنوان رهایی از وضعیت نزاع، درگیری و بهره‌برداری از وضعیت ثبات، وحدت، آرامش و همدلی ناشی از هماهنگی، تفاهم و سازگاری مردم با یکدیگر، و نه از رهگذر زور، بلکه از طریق توافق و تفاهم واقعی همان حالت حقیقی عادلانه و واقعی باعث شکل‌گیری ایده فرهنگ صلح برای اولین بار در برنامه‌های یونسکو

در کنگره بین‌المللی «صلح در اذهان انسانها» در ساحل عاج گردید. ایده فرهنگ صلح به عنوان رهیافتی نسبت به حیات انسان با فراهم آوردن احترام به یکدیگر و انصاف بر روابط اجتماعی حاکم به دنبال تبدیل ریشه‌های فرهنگ جنگ و خشونت به فرهنگ گفتگو است. (گودرزی، ۱۳۹۸). بر این اساس می‌توان گفت ایده فرهنگ صلح در پی تحقق بخشیدن به امور زیر است:

- دگرگونی و جایگزینی ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای موجود با گرایش‌ها و رفتارهای مروج صلح و نفی خشونت؛

- توانمندسازی مردم در همه سطوح با مهارت‌های گفتگو، میانجی‌گری، مدارا و همدلی؛

- از میان برداشتن ساختارهای سلطه جو و استثمارگر از طریق مشارکت دموکراتیک و توانمندسازی مردم برای ایفای نقش فعال در فرایند توسعه؛

- امحای فقر و نابرابری تبعیض‌آمیز در بین ملت‌ها و ترویج توسعه پایدار انسانی مبتنی بر مشارکت اجتماعی؛

- توانمندسازی اقتصادی و سیاسی زنان و فراهم کردن فرصت‌ها و زمینه‌های حضور برابر مردان در همه سطوح تصمیم‌گیری؛

- حمایت از جریان آزاد اطلاع‌رسانی و گسترش پاسخ‌گویی و شفافیت در حاکمیت و تصمیم‌گیری اجتماعی و اقتصادی (میرکوشش، ۱۳۸۷).

بر این اساس، می‌توان فرهنگ صلح را به عنوان یک رهیافت اخلاقی نسبت به حیات انسانی مبتنی بر ارزش‌های جهانی، همچون؛ آزادی، عدالت، همبستگی، مدارا، حقوق بشر و برابری زن و مرد، اصول دموکراسی، تفاهم بین دولت‌ها، کشورها و بین گروه‌های مذهبی، نژادی، فرهنگی و اجتماعی دانست (ریچموند، ۲۰۰۸). ایده فرهنگ صلح منحصر به دولت‌ها و براساس اصل حاکمیت‌شان نخواهد بود، بلکه فراتر از روابط بین‌الملل را مورد توجه قرار می‌دهد. در مطالعات صلح بر درک

صحیح از فرهنگ‌ها و ابعاد گوناگون روابط اجتماعی تاکید بسیار می‌شود تا بتوان با فهم و درک ریشه‌های شکل‌گیری تعارض و ایجاد خشونت شرایط ایجاد، حفظ و تداوم صلح را تغییر اساسی در امکانات موجود در جوامع انسانی از طریق انقلاب اجتماعی در سطح ملی و فراملی فراهم ساخت (کافی، ۱۳۹۲).

جهانی شدن

جهانی شدن، پدیده‌ای چند بعدی است؛ از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... را در برمی‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد (رجایی، ۱۳۸۰) در حوزه اقتصاد، به تبع تحولات فنی مذکور، تغییرات بی‌سابقه‌ای رخ نمود. در جهانی شدن، کنترل اقتصاد دولت ملی بر اقتصاد ملی به نحو فزاینده‌ای از دست می‌رود و عناصر اصلی سیاستهای اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. از لحاظ سیاسی، با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، چون بانک جهانی، تحولات چشم‌گیری در حوزه محدود شدن قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی رخ می‌نماید. به طور کلی، در فرآیند جهانی شدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها، رو به زوال است. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزئی از این جامعه‌اند و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از جانب دولت‌های ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولت‌های ملی بسی فراتر می‌روند (نش، ۱۳۸۰). جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. البته هر چند جهانی شدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... است، بیش از همه، روندی اقتصادی است (تاملیسون،

۱۳۸۱). در واقع فرایندی است از تحول که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم‌رنگ می‌کند؛ ارتباط را گسترش می‌دهد و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید (جعفری صمیمی، و سینا، ۱۳۸۴). جهانی شدن چیزی نیست جز پدیده یگانگی (و نه یک گونگی) فرهنگی و اقتصادی که امروزه جهان شاهد آن است (ترکی حمد، ترجمه آموزگار، ۱۳۸۳). از آن جهت که جهانی شدن کارکرد فرازمانی و فرامکانی دارد و در این خصوصیت با ادیان بزرگ ابراهیمی مشترک است (عاملی، ۱۳۸۰). به نظر یان آرت شولت «جهانی شدن روندی است که در آن روابط اجتماعی دارای ماهیت بدون مرز و فاصله می‌شوند. بنابراین، همه انسان‌ها در یک جهان در حال تعامل هستند (نهاوندیان، ۱۳۸۳).

شهروند جهانی

اصطلاحی نوآورانه است که شخصی را با توانایی برقراری ارتباط در هر سطحی با هر فردی، صرف نظر از فرهنگ و کشور در سطح جهانی توصیف می‌کند. استفاده از این اصطلاح با افزایش آگاهی در مورد جهانی شدن و تبدیل هویت بشری از منظر صرفاً ملی به یک مفهوم وسیع ملی گسترش یافته است. این مفهوم در سطح بین‌الملل، به دلیل مسائل و مشکلات مشترک در کشورهای مختلف، نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. مهارت‌های یک شهروند جهانی شامل؛ مهارت‌های مشارکت مدنی و اثر بخشی سیاسی، همدلی فرهنگی، احترام به تنوع، توانایی آشتی دادن درگیری‌ها و دستیابی به توافق از طریق راه‌حل‌های صلح‌آمیز، از جمله بحث، مذاکره و گفتگو است (شاو، ۲۰۰۰). لذا اساسی‌ترین روش برای تحقق اهداف جهانی شدن، پرورش شهروندانی مطلع، آگاه و مسئولیت‌پذیر است (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹).

جهانی شدن و صلح

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در

زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه‌روست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم‌خشونت، صلح و برابری اولویت دارد (منصوری، ۱۳۸۹).

تروریسم کنونی جهانی، تاکنون هزینه‌های زیادی را برای جهانیان به بار آورده است. جامعه‌ی غربی در این زمینه همان‌گونه که در دوران استعمارگرایی و شرق‌شناسی در تلاش بوده است که «من غربی» را برتر، عقلانی‌تر، منظم‌تر و متمدن‌تر از «دیگری شرقی» که در حقیقت مصداق مورد نظر آن همیشه مسلمانان بوده‌اند، بداند، در عصر استعمارگرایی جدید و نو شرق‌شناسی این وضعیت نه تنها تغییر نیافته، بلکه عمیق‌تر، گسترده‌تر، تأثیرگذارتر و فلسفی‌تر شده است. در این عصر، مطالعات نو شرق‌شناسی بر پایه‌ی خلق گفتمان‌های جدید، گسترش سیاست فرهنگی تفاوت، تقلیل‌گرایی هویت‌های دیگری در مقابل خود غربی و بالاخره ایجاد نوعی از تبعیض تمدنی استوار شده است. این وضعیت جدید، در تلاش است که با جابه‌جایی مفهوم «خشونت» از جامعه‌ی اسلامی در عصر استعمارگرایی و جایگزین کردن آن با مفهوم «تروریسم» نوعی از وحشی‌گری جدید را به نام مسلمانان در سطح جهان رقم زند و آنان را به حاشیه براند.

با چنین وضعیتی از تحلیل جهانی در مورد تروریسم، نه تنها باید با حرکت‌های تروریستی به شدت مبارزه کرد، بلکه با نهادهای ساختن چنین فلسفه و تفکری نیز با شدت هر چه تمام‌تر باید مخالفت کرد و آن را ریشه‌کن کرد. اگر جهان غرب درصدد این باشد که تروریسم را به عنوان شاخصی نو برای جامعه‌ی جهانی اسلام در

برابر عقلانیت، صلح‌آمیز بودن، و متمدن‌تر بودن بدانند، باید در مبارزه‌ی حقیقی آن با تروریسم تردید کرد. بنابراین اولین گام در سرکوب تروریسم جهانی، ایجاد تغییر اندیشه‌ای و فکری در سیاست حاکم بر جهان غرب در پیوند دادن تروریسم با جهان اسلام است. تروریسم در جهان، اگر چه با برخی از مسلمانان نیز پیوند خورده است، اما عامل اصلی آن تبعیض، بی‌عدالتی، ظلم و استثمار غرب در سطح جهانی بوده است که برخی افراد را به شیوه‌های آنومیک و انحرافی کشانده است. این مسأله هرگز به معنای توجیه تروریسم در جهان نیست، بلکه بر عکس، می‌توان آن را نتیجه‌ی عملکرد غرب و برخی از عوامل منحرف و مستبد در سایر نقاط جهان و از جمله جهان اسلام دانست. با چنین برداشتی، می‌توان تروریسم جهانی را نوعی از سیاست جدید جهانی که برای سرکوب ملت‌های بپا خاسته در برابر ظلم و استکبار واقعی به کار گرفته می‌شود، دانست.

صلح و امنیت جهانی، بیش از آن‌که با سرکوب و ریشه‌کن کردن برخی از حرکت‌های تروریستی به وجود آید، که باید چنین ریشه‌کنی‌ای صورت گیرد، فراتر از آن باید در تجدیدنظر در سیاست‌های کلان جهانی و برنامه‌ریزی‌های سیاستمداران و طراحان سیاست‌های جهانی برقرار شود. در این رابطه باید تأکید کرد که توجه نکردن به پایان دادن به شیوه‌هایی که درصدد ایجاد نوعی از تضاد اجتماعی در سطح جهانی هستند، مهم‌ترین عامل عقب افتادن جهان از قافله‌ی صلح و امنیت است. صلح و امنیت جهانی، در حقیقت، یک حرکت جمعی است که نیازمند یک ائتلاف جهانی است. این ائتلاف باید به دور از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها صورت گیرد. یکی از عناصر اولیه چنین ائتلافی، شناخت عوامل اساسی و عاملین مهم تروریسم جهانی است. این شناخت نباید دچار یک تبعیض فلسفی، گروهی، انسانی و اعتقادی شود. اگر تروریسم از سوی برخی از گروه‌هایی که خود را به نام مسلمان در جهان معرفی کرده یا توسط برخی

جوامع آنان را به اسلام منتسب کرده‌اند، زشت، غیرعادلانه، ضدبشری و مخالف فطرت مسالمت‌آمیز انسانی باشد، حرکت تبعیض‌آمیز صهیونیستی را نیز که بر خلاف هر گونه عدالت و منطق، باعث از بین رفتن یک ملت و طرد آنان از سرزمین مادری شده، باید به عنوان یکی از مصادیق بزرگ تروریسم سازمان‌دهی شده در سطح جهانی دانست. در اینجا نباید هیچ‌گونه تبعیضی در جهت تزکیه‌ی برخی از حرکات تروریستی از برخی دیگر صورت گیرد که این مسئله بزرگ‌ترین مانع تحقق صلح و امنیت در سطح جهانی است. امروزه متأسفانه جهان شاهد بزرگ‌ترین تبعیض انسانی در طول تاریخ است. این تبعیض بیش از یک حرکت تروریستی برای کشتن و از بین بردن چند نفر است. این حرکت، یک ملت را برای سال‌های متمادی نشانه رفته است و هر روز آن را با انواع حرکات تروریستی در معرض نابودی کامل قرار می‌دهد. فلسطین، با چنین رویکردی روبه‌رو است و صلح و امنیت جهانی بدون دستیابی آن به آنچه که از دست وی به زور گرفته‌اند، قطعاً تحقق نخواهد یافت (ر.ک: دهشیری، ۱۳۹۰).

جهان در چنین شرایطی باید درصدد بازخوانی تجربه انسانی خود حداقل در چند قرن اخیر باشد. بدون قرائت جدید تاریخ و تصحیح اقدامات کنونی بر پایه‌ی تجربیات قبلی نمی‌توان به یک صلح و امنیت جهانی دست یافت. اندیشه‌ی اسلام، اندیشه‌ی صلح و امنیت است. اسلام، بر پایه‌ی سلم و مسالمت بنا شده است. مسلمانان در طول تاریخ، با همه‌ی اقوام و ملل مختلف با بهترین شیوه‌های ممکن انسانی برخورد کرده‌اند که تاریخ شاهی بزرگ بر چنین مدعایی است. انسانیت، اکنون باید اندیشه‌ی ناب اسلام را در سطح فکری و عملی به آزمایش بگذارد. چنین آزمایشی می‌تواند بستری برای ساخت جامعه‌ی انسانی جدید به شمار آید که در آن گروه‌های آنومیک، تروریست و صهیونیست، امکان حیات نداشته باشند (گودرزی، ۱۳۹۸).

نگاه جهانی به مفهوم صلح

صلح در نظام حقوق بین‌الملل سنتی از مفهوم بسیطی مانند عدم برخورد نظامی و عدم جنگ برخوردار بود. براساس این برداشت، هرگاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد، یعنی صلح تحقق یافته است و تمام تلاش دولت‌ها در قالب حقوق و مقررات بین‌المللی این است که از بروز چنین وضعیتی جلوگیری به عمل آورند و یا اگر چنین وضعیتی پیش آمد خاموش کردن شعله‌های آتش جنگ و اعاده صلح از طریق آتش بس مبادرت ورزند؛ چنین برداشتی از صلح را صلح منفی می‌نامند (ساعد، ۱۳۸۹).

در روابط بین‌الملل معاصر، نگاه ریشه‌ای و بنیان‌نگر وجود دارد. در این دیدگاه باور بر این است که مبارزه با جنگ مبارزه با نتیجه است و مبارزه با نتیجه، مبارزه موثری نخواهد بود. مبارزه با جنگ در صورتی کارساز خواهد بود که صلح واقعی را به ارمغان خواهد آورد که مبارزه با معلول و زمینه‌های بروز خشونت باشد.

اساس این دیدگاه مبارزه با فقر، گرسنگی، تبعیض، نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری و سایر انواع خشونت ساختاری، فرهنگی و... است که باید به عنوان مقدمه‌ای برای تامین صلح و امنیت بین‌المللی بهای لازم داده شود. صلح مثبت به معنی استقرار نظام اجتماعی - انسانی در بر دارنده سه مشخصه اصلی فقدان اعمال زور، آزادی فردی و برابری اجتماعی است (ساعد، ۱۳۸۹).

جایگاه صلح در روابط بین‌الملل مدرن

اولین و مهمترین هدف روابط بین‌الملل مدرن حفظ و برقراری صلح بوده است. در حال حاضر، علیرغم اینکه جنگی بین کشورها نیست ولی ممکن است روابط صلح‌آمیزی هم بین کشورها وجود نداشته باشد و این بدان معنی است که معنای صلح در روابط بین‌الملل دچار تغییر و تحول شده است. از نظر روابط بین‌الملل مقصود از صلح، احتراز از اختلاف و برخورد شدید با

مع‌الوصف، درمبارزه با تروریسم برای تحقق صلحی عادلانه و جهانی باید راهبردهای مؤثری را اعمال نمود تا بتوان بر گونه‌های متفاوت آن فایق آمد. از این‌رو، اتخاذ راهبردهای بازدارنده‌ای همچون برنامه‌ریزی جهت تقویت توان فکری توده‌ها، حفظ و تقویت مشروعیت سیاسی و گسترش روند توسعه‌ی سیاسی، شناخت و آگاهی کامل از واقعیت‌ها، برنامه‌ریزی سازمان‌دهی شده برای تبیین حدود دولت و ملت جهت اخذ نتیجه‌ی مثبت از قضاوت مردمی، آگاه نمودن افکار عمومی از منبع واقعی ترس ناشی از تحرکات تروریستی می‌تواند به همراه دیگر مؤلفه‌ها در پیشگیری و سرکوب تروریسم جهت نیل به اهداف آرمانی همچون صلح پایدار مؤثر واقع گردد (ر.ک: ساعی و معصومی، ۱۳۹۰).

صلح در نظام حقوق بین‌الملل اساساً صلح بین‌المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین‌المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین‌المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره‌ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین‌المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین‌المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین‌المللی و نه تنها منطقه‌ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین‌المللی و ملت‌ها و تمدن‌های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین‌کننده دامنهی صلح دانست (ساعد، ۱۳۸۹).

سایر کشورها است؛ به عبارت دیگر، صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی‌نظمی در سیستم امنیت بین‌الملل است. صلح و امنیت بین‌المللی اصطلاحی است که امروزه در ادبیات روابط بین‌الملل به کار می‌رود و منظور از آن آرامش و ثبات در نظام جهانی است، به گونه‌ای که هیچ یک از قدرت‌ها و واحدهای سیاسی پا از محدوده خود فراتر نگذاشته و به قلمرو یکدیگر تجاوز نکنند بلکه آن را محترم بشمارند و همه دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بکوشند و از هیچ طریقی آن را مورد تهدید قرار ندهند.

چگونگی توزیع قدرت بعد از جنگ جهانی دوم، سبب شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل دو قطبی و باعث تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به کشورهای قوی شده و در نتیجه کشورها به دو قسمت استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شدند و کشورهای استثمارگر برای دخالت در دیگر کشورها خود را دارای حق می‌دانند. این ساختار پس از جنگ جهانی دوم و در چهارچوب جنگ سرد میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بر نظام بین‌الملل سایه افکند. بر این اساس، هریک از کشورها با توجه به عضویتشان در یکی از بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین‌الملل و ایجاد پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، مواضع منسجم و همگونی را در برخورد با قطب دیگر ارائه می‌کردند (مجرد، ۱۳۸۶).

انقلاب اسلامی با ارائه الگوی رفتاری جدید برای ملل تحت ستم، در ایجاد اعتماد و بیدارسازی آنها نقش مؤثری را ایفا کرد و تلاش نمود تا افکار عمومی آنها را برای ایجاد تغییر و تحول در ساختار بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، حمایت ایران از ملت‌های محروم و تحت ستم، باعث فعال شدن و تقویت حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش در جهان و منطقه شد. در این میان تأثیر انقلاب اسلامی بر ملت فلسطین و لبنان بیش از همه چشمگیر است

(ستوده ارانی، ۱۳۸۸). در جنگ ۳۳ روزه، نظام سلطه بسیار امیدوار بود تا با شکست و نابودی حزب‌الله ضربه‌ای جدی به حرکت و جنبش در حال رشد سلطه ستیزان به رهبری ایران اسلامی وارد نماید که با ناکامی جدی مواجه گردید، به طوری که بنیادهای اقتدار رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورد (محمدی، ۱۳۸۷).

با توجه به شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل باید دو نکته را درباره مفهوم صلح و امنیت جهانی مورد تأکید قرار داد:

اول اینکه، صلح و امنیت بین‌المللی به معنای واقعی آن الزاما با حفظ وضع موجود تامین نمی‌شود چرا که امکان دارد قوانین و ساختارهای حقوقی نظام حاکم بر روابط بین‌الملل ماهیت ظالمانه و تبعیض‌آمیز داشته باشد. در حالی که صلح از مفاهیمی است که با عدالت و مساوات عجین است، لذا پایداری آن بدون عدالت ممکن نیست.

دوم آنکه در گذشته صلح و امنیت از مفاهیمی بود که صرفاً در حوزه نظامی و سیاسی کاربرد داشت اما امروزه بخصوص اصطلاح امنیت در ابعاد وسیع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیکی و جز آن معنی دارد. اگرچه برخوردهای نظامی و اصطکاک‌های سیاسی همچنان مهمترین تهدیده کننده صلح و امنیت محسوب می‌شوند؛ در هم تنیدگی و تداخل قلمروهای مزبور به عنوان یکی از پیامدهای پدیده جهانی شدن» موجب شده است که بحران و ناامنی در یکی از حوزه‌ها به دیگر قلمروها تسری یابد بنابراین بحران اقتصادی و فرهنگی می‌تواند به بحران سیاسی و نظامی منجر شود (شفیعی، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش

در خصوص صلح و موضوعات مرتبط با آن پژوهش‌های متعددی انجام گردیده است لیکن ادبیات موضوع نشان می‌دهد در رابطه با فرهنگ صلح خصوصاً در حوزه‌های شهری تاکنون مطالعه مهمی صورت

نگرفته است. در ادامه این قسمت به برخی از
پژوهش‌های انجام شده که قرابت بیشتری با موضوع

جدول ۱- پیشینه تحقیق

نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان یا سؤالات اصلی	روش تحقیق	مهمترین یافته‌ها
اشرفی (۱۳۹۳)	تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی	توصیفی	در این تحقیق مفاهیم صلح و امنیت در گذشته پرداخته و نتیجه گرفته است که در دوران پس از جنگ سرد چون جامعه بین‌المللی نقش بسیار فعالی در نظارت و مراقبت از حقوق بشر و اصول اساسی بر عهده گرفته است.
کاظم‌پور (۱۳۹۱)	تأثیر برنامه آموزش صلح در تربیت شهروند جهانی	شبه آزمون	در این پژوهش که در جامعه تمام دانش آموزان پسر دوره متوسطه رشت به صورت تصادفی با حجم ۳۰ نفر به عنوان گروه آزمایشی انتخاب گردید داده‌های گردآوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد و نتیجه نشان داده شد که بر این اساس برنامه آموزش صلح در بهبود تربیت شهروند جهانی و همچنین در افزایش دانش، توانش و پرورش نگرش شهروند جهانی تأثیر دارد.
گودرزی ۱۳۹۷	جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط	توصیفی تحلیلی	یافته‌ها نشان داده شده است که با جهانی شدن حقوق بشر باعث گردیده تا مطالعات صلح مثبت در قالب نسل‌های حقوق بشر و مطالعات صلح منفی در قالب اصل مداخله بشردوستانه و اصل مسئولیت حمایت تعاملی دوطرفه با همپوشانی یکدیگر به شکل‌گیری فرهنگ صلح یاری رساند.
اسدی و همکاران ۱۳۹۷	طرح‌های صلح جهانی در پرتو نقد	تحلیلی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد، این طرح‌ها، علی‌رغم این که مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته و در جاهایی مبنای عمل قرار گرفته‌اند؛ لیکن در همه آنها دو کاستی یا غفلت مهم دیده می‌شود که سبب ناکارآمدی آنها شده است. این دو کاستی عبارت است از: نگاه انتزاعی، غیرانضمامی و غیر میان فرهنگی به مفهوم صلح و دیگری، غفلت از موضوع آموزش صلح. در انتها، با توجه به اهمیت این دو موضوع، نکاتی را در خصوص اهمیت و ضرورت نگاه میان فرهنگی به صلح و نیز ضرورت آموزش صلح بیان کرده‌ایم.
هدایتی ۱۳۹۷	بررسی عملکرد سازمان بین‌المللی یونسکو در پیشبرد فرهنگ صلح	توصیفی	در پژوهش حاضر سعی شده است به عملکرد سازمان بین‌المللی یونسکو در زمینه ترویج و ارتقای صلح پرداخته شود. روش پژوهش مقاله مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و توصیفی است که تلاش شده است که از ظرفیت‌های موجود اعم از کتاب‌ها و مقالات حداکثر استفاده صورت گیرد.

روش‌شناسی

مطلوب این پژوهش بود. بنابراین راهبرد نظریه داده بنیاد
انتخاب شد تا با این مطلوب سازگاری داشته باشد. پاول
می‌گوید: نظریه داده بنیاد روشی است که نظریه‌ها،
فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به جای استنتاج
پژوهش حاضر از نظر هدف، نظری و کاربردی و از
نظر رویکرد کیفی است و از استراتژی داده بنیاد بهره
گرفته است. از آنجا که طراحی مدل فرهنگ صلح،

از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (پاول، ۱۳۹۹). در این روش، پس از گردآوری داده‌ها، آنها را کدبندی کرده و متغیرهای اصلی را یافته و به بررسی متغیرها پرداخته می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴). بر همین اساس در این تحقیق از روش غیر نظام‌مند گلیرز استفاده شده است که به طور کلی عناصر پنج گانه راهبردهای تحلیلی شامل؛ کدگذاری، نمونه‌برداری و کفایت نظری، تحلیل داده‌ها با مقایسه مستمر، رهیافت فرآیندی و واحد تحلیل پیشامد و نظریه سازی، را مد نظر دارد (گلیرز^۴، ۱۹۹۲).

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات در تحقیق حاضر کتابخانه‌ای و میدانی بوده است که در بررسی اسنادی، متن‌های مکتوب شامل کتابها، مقاله‌ها، مجلات

و مصاحبه‌های پیرامون موضوع صلح و فرهنگ صلح بررسی و سعی بر توصیف کیفی محتوای مورد نظر شده است. پس از استخراج داده‌های نظری، داده‌های مورد نیاز تکمیلی با بکارگیری ابزار مصاحبه جمع‌آوری شد. روش گردآوری داده‌ها براساس مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته بود. جامع آماری پژوهش شامل نخبگان و صاحب نظران^۵ در حوزه تحقیقاتی پژوهش بودند. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی^۶ (ارجاع زنجیره‌ای) انجام شد و مصاحبه‌ها تا اشباع نظری کامل پیش رفت. به جهت اطمینان از نقطه اشباع نظری مراحل اجرای مصاحبه‌ها تا نمونه هفدهم ادامه یافت. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

ویژگی	شاخص‌ها	تعداد	سهم نسبی
شغل	هیات علمی	۷	٪۴۱
	اجرایی	۹	٪۵۸
مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد	۲	٪۱۲
	دکتر	۱۴	٪۸۸
سابقه کار	کمتر از ۱۵ سال	۱	٪۶
	۱۵ تا ۲۰ سال	۷	٪۴۱
	بیشتر از ۲۰ سال	۸	٪۵۲

کوربین و استراوس (۲۰۰۸) برای ارزشیابی پژوهش‌های مبتنی بر رویکرد داده بنیاد معیار مقبولیت را ارائه کردند. مقبولیت بدان معناست که نتایج نهایی به دست آمده تا چه میزان در انعکاس تجارب و علم پاسخگویان و محققان و حتی مخاطبان درباره پدیده مورد مطالعه معتبر و باورکردنی است. این محققان ده شاخص را برای معیار مقبولیت معرفی کردند که از آن جمله می‌توان به حساسیت پژوهشگر، انجام روش شناسی، متناسب بودن نمونه، تکرار شدن یک یافته و استفاده از بارخورد مطلعان اشاره کرد (مقدم و همکاران ۱۳۹۵). بنابراین

نتایج نهایی حاصل از پژوهش و همچنین فرایند دستیابی به دیاگرام در اختیار چهار نفر از صاحب‌نظران حوزه تحقیق قرارگرفت که بررسی و تحلیل این افراد بر یافته‌های پژوهش صحت گذاشت. همچنین روش لینکن و گوبا نیز که براساس چهار عنصر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اعتماد و قابلیت تایید شکل می‌گیرد، روایی ابزار را تایید کرد. جدول ۲ مراحل تایید روایی براساس روش لینکن و گوبا را نشان می‌دهد. یکی از روش‌های معتبر ارزیابی پایایی در تحقیقات کیفی روش حسابرسی فرایند است. نتایج زمانی قابل حسابرسی‌اند

دقیق همه گام‌های پیموده شده تایید شد. جهت اطمینان از پایایی ابزار، علاوه بر روش حسابرسی از روش توافق درونی (درون موضوعی) بهره برده شد. بدین منظور ضمن ارائه آموزش‌های لازم جهت کدگذاری سه مصاحبه که به صورت تصادفی گزینش شدند اقدام شد. میزان کدهای مورد توافق در هر مصاحبه و میزان توافق درون موضوعی (پایایی) در جدول ۳ آمده است.

که محقق دیگری بتواند فرایند تصمیم به کار رفته توسط محقق اصلی در طول مصاحبه را با روشنی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد (داونینگ^۷، ۲۰۰۴). بنابراین، در تحقیق حاضر، فرایند اجرای تصمیمات و همچنین همه داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه، اهداف اولیه و سوال‌ها در اختیار دو تن از صاحب‌نظران قرار گرفت و با حسابرسی

جدول ۳- روایی و اعتبار براساس روش لینکن و گوبا

شاخص	فرایند
اعتبار	صرف زمان کافی برای برای پژوهش و تایید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه شونده اخذ نظر خبرگانی که در پژوهش شرکت نداشتند
انتقال پذیری	اخذ نظر خبرگانی که در پژوهش شرکت نداشته اند
تایید پذیری	مستند سازی و حفظ همه گام‌های پژوهش و مستندات در فرایند پژوهش
قابلیت اعتماد	ثبت همه جزئیات پژوهش و یادداشت برداری در طول مصاحبه و روند پژوهش

جدول ۴- پایایی ابزار پژوهش با استفاده از روش توافق درون موضوعی

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	سوم	۲۰	۸	۸۰٪
۲	هشتم	۳۴	۱۳	۷۶٪
۳	شانزدهم	۲۴	۹	۷۵٪
	کل	۷۸	۳۰	۷۷٪

پاسخ به سوالات اصلی بودند مشخص و سپس داده کیفی انتخاب شده کدگذاری گردید. کدگذاری داده‌ها، برحسب مصاحبه و شماره‌های قراردادی که در بالا تشریح شد صورت گرفت.

برای توسعه مدل نظری فرهنگ صلح، محقق به شکلی مداوم و هدفمند، طی فرایند تحلیل داده‌ها بین کدگذاری باز و محوری حرکت نمود. همانطور که استراوس و کوربین تأکید کرده‌اند، فرایند کدگذاری باز و محوری دو گام متوالی یک فرایند تحلیلی نیستند، بلکه فرایند کدگذاری، پویا و شناور انجام می‌گیرد. در ابتدای کدگذاری، تلاش شد مقوله‌ها از طریق کدگذاری باز مشخص شود و طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به یکدیگر مرتبط می‌شوند. بعد از اینکه ارتباط بین مقوله‌ها

بنابر توافق موجود، میزان توافق درونی بالای ۶۰ درصد بیان کننده پایایی مناسب ابزار است. بنابراین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مصاحبه‌های انجام شده پایایی قابل قبولی داشتند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از اینکه مصاحبه با تک تک مصاحبه شوندگان انجام شد صوت مصاحبه‌ها، تایپ و پیاده‌سازی گردید. به هریک از مصاحبه شوندگان یک شماره قراردادی داده شد. مصاحبه شوندگان علمی با حرف (U) و مصاحبه شوندگان اجرایی با حرف (O) مشخص شدند. برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل بنیاد استفاده گردید. براساس این روش مصاحبه‌ها مکرر خوانده شده و مطالب مرتبط پژوهشگران که در حقیقت

طی کدگذاری باز و محوری شناسایی شدند، طی کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها، مقوله‌های فرعی و ارتباط آن‌ها یکپارچه شده تا مدل نظری توسعه یابد.

یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که براساس نقطه نظرات مصاحبه شوندگان این پژوهش شانزده مفهوم

فرعی و در زیر مجموعه ۵ مقوله اصلی یعنی مشخصه‌های فرهنگ صلح، عوامل شکل دهنده، عوامل تقویت کننده، موانع شکل‌گیری و پیامدهای فرهنگ صلح استخراج شده است که تا حدود زیادی با نتایج پیرامون موضوع تحقیق همخوانی دارد. در ادامه پژوهش کلیه مفاهیم فرعی استخراج شده تحقیق تشریح می‌شود.

جدول ۵- نمونه کدگذاری اولیه^۱ (نگارنده ۱۴۰۰)

کدگذاری باز	گزیده متن	نشانگر
• آموزش همه جانبه برای فرهنگ صلح • درک و شناخت لازمه کار • گفت و گو برای صلح بدون تعارض • محیط‌های درونی و بیرونی اجتماع • ساختارها و نمادهای شهری	در کنار آموزش‌های همه جانبه عمومی در زمینه درک، شیوه‌های گفتگو، حل مساله بدون تعارض و... که هدف رنگ‌سازی را نشانه می‌گیرد و در کنار آن در واقع یکی از ابعاد صلح هم است که رفع تبعیض در زمینه آموزش را در بر می‌گیرد باید به نماد سازی نیز فرصت داده شود و پرداخته شود. بنابراین شهر، مبلمان شهری، ساختار فیزیکی و اجتماعی همه باید برنامه‌ریزی شده باشند و یادآور برابر انسان‌ها و باز کننده راه‌های گفتگو باشند.	U ^۱
تاکید بر استفاده از تکنولوژی در رسانه	استفاده از فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی به عنوان رسانه‌های نوین و بکارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته تاثیر بسزایی در جهت‌دهی افکار عمومی و نگرش افراد به صلح و فرهنگ آن دارد.	U ^۲

پس از فهرست کردن تمامی نکات کلیدی در مصاحبه‌ها به هر نکته یک کد (عنوان) تخصیص داده شده است که در جدول شماره ۴ در قالب کدهای اولیه نشان داده شده است. در این جدول نشانگر U^۳ به معنای سومین مصاحبه با اعضای هیأت علمی دانشگاه می‌باشد.

جدول ۶- کدهای نهایی، مضامین فرعی و مضامین اصلی (نگارنده ۱۴۰۰)

طبقات اصلی	مقوله‌ها (طبقات فرعی)	مفاهیم
عوامل محوری (فرهنگ صلح)	آگاهی و شناخت	آگاهی‌افزایی
		شناخت
		باورپذیری
		افزایش فهم جامعه
	مهرورزی	روابط دوستانه
		فرهنگ دوستی
		پرهیز از خشونت
		دوستیابی
	خردورزی	چارچوب‌های ذهنی
		تفکر و تدبیر در امور
		بلوغ فکری
		تکامل شخصیتی

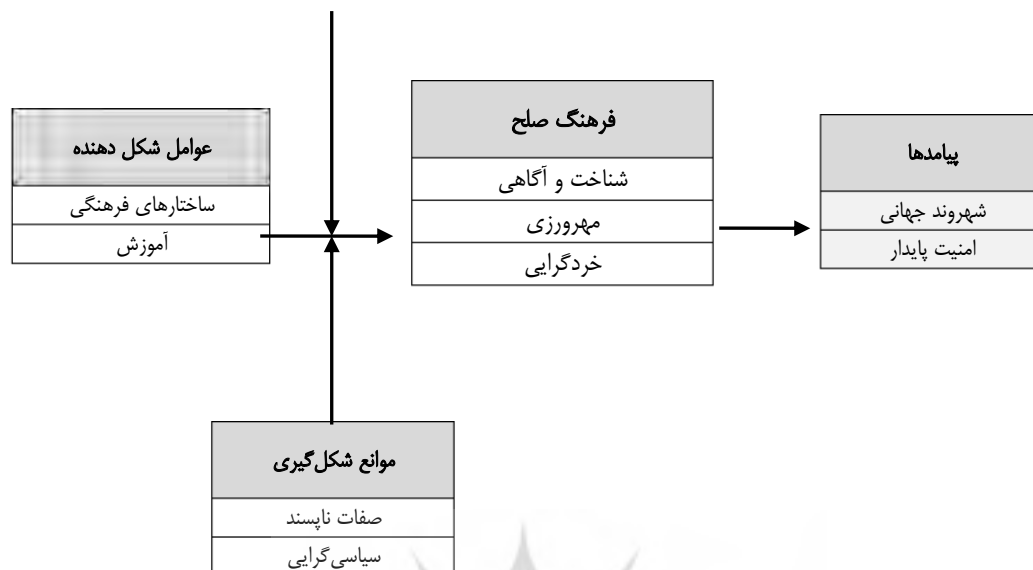
عوامل تقویت کننده	تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای	رسانه‌های جمعی
		فضای مجازی
		تولید برنامه‌های رسانه
		استفاده از تکنولوژی‌های نوین
	مسئولیت‌های اجتماعی	ارتباطات مردمی
		عدالت اجتماعی
		مسئولیت‌پذیری
		گفت و گوی تعاملی
		مشارکت مردمی
		تشکل‌های فرهنگی
عوامل شکل دهنده	ساختارهای فرهنگی	هویت فرهنگی
		الگوی صلح
		بستر سازی فرهنگ محلی
	آموزش	تعلیم و تربیت دانش‌آموزان
		دروس صلح طلبی
		آموزش خانواده
موانع شکل‌گیری	صفات رذیله فردی	یادگیری شهروندی
		خودبینی
		تکبر و غرور
	سیاست‌های نامناسب	برتری جویی
		مداخلات دولتی
		ذهنیت کارگزاران سیاسی
پیامدها	شهروند جهانی	تصمیمات نادرست قومیتی
		تمدن سازی
		ترویج حقوق شهروندی
	امنیت پایدار	جهانی شدن
		آرامش
		امنیت و صلح پایدار

رویش الگوی مفهومی فرهنگ صلح

محقق یکی از مقوله‌ها را انتخاب کرده و آنرا تحت عنوان

پدیده محوری در مرکز فرایند الگو قرار می‌دهد.

در مرحله دوم که کدگذاری محوری نامیده شده است



مفهومی نوین سعی به سهرودن بوده که با فرهنگ صلح تلقی می‌شود شهروند جهانی فردی است که از جهان معاصر آگاهی کافی دارد و با نقش خود آشناست و متضمن احترام به ارزشها و تنوع در امور است و توانایی مشارکت فعالانه و مسئولانه در عرصه جهانی دارد. شهروند جهانی حاصل از الگوی مفهومی فرهنگ صلح کسی است که به مسائل جهانی آگاه بوده و مسئولیت اجتماعی را می‌داند و مسئول شهری بدون نزاع و جنگ می‌باشد از همین رو چنین فردی منحصر فردی نیست و متعلق به همه جامعه است. جهانی شدن، ترویج حقوق شهروندی و تمدن‌سازی از مقوله‌های شهروند جهانی است که منجر به ترویج پیاده‌سازی فرهنگ صلح در جامعه شهری می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با بررسی اسناد موجود در حوزه فرهنگ صلح و مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه این تاثیرگذاری را می‌توان در بعد پیامدها معرفی کرد که در اینجا توجه اصلی بر مولفه شهروند جهانی بوده است. با توجه به داده‌های تحقیق، مولفه "ترویج حقوق شهروندی" در بعد «شهروند جهانی» دارای بار عاملی

الگوی فرهنگ صلح در ۵ طبقه اصلی با مقولات شناخت و آگاهی، مهرورزی و خردگرایی به عنوان مشخصه‌های فرهنگ صلح؛ عوامل تقویتی با مقولات تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی؛ طبقه عوامل شکل دهنده شامل: ساختارهای فرهنگی و آموزش؛ طبقه پیامدها شامل شهروند جهانی و امنیت پایدار و طبقه موانع شکل‌گیری شامل صفات ناپسند و سیاسی‌گرایی احصاء گردید.

پیامد مفهومی فرهنگ صلح

شهروند جهانی ظهور پیامدهای فرهنگ صلح می‌باشد، فرایند جهانی شدن و ایجاد بستر برای شهروندان جهت حضور در این مهم بستگی به سطوح ارتباط و تعامل در درون ملت‌ها دارد. ایجاد فرهنگ صلح و ایجاد شهروند جهانی با تکرر هویت‌ها و ایجاد نگرش‌های یکسان و نیاز به دانش و اطلاعات امکان‌پذیر خواهد بود. افزایش تنوع فرهنگی در جهان نیاز به دانش و آگاهی و مهارت‌هایی برای اجرای فرهنگ صلح و رسیدن به شهروند جهانی شدن است و نتیجه گسترش فرهنگ صلح و بروز پدیده جهانی شدن به تربیت شهروندان جهانی منجر خواهد شد. مفهوم جدید شهروند جهانی

(۰/۸۲) می‌باشد. به عبارت دیگر مولفه «ترویج حقوق شهروندی» تقریباً ۶۷ درصد (۰/۸۲) را به توان ۲ می‌رسانیم) از واریانس عامل «شهروند جهانی» را تبیین می‌نماید.

مولفه «جهانی شدن» در بعد «شهروند جهانی» دارای بار عاملی (۰/۷۲) می‌باشد. به عبارت دیگر مولفه «جهانی شدن» تقریباً ۵۱ درصد (۰/۷۲) را به توان ۲ می‌رسانیم) از واریانس عامل «شهروند جهانی» را تبیین می‌نماید.

در مقایسه با تحقیقات انجام شده، یافته‌های تحقیق محمد کفاش نیری و مهناز گودرزی، با عنوان مقاله جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین‌الملل حاکی از آن است که جهانی شدن با مطرح کردن اندیشه حقوق بشری به عنوان هسته اصلی فرهنگ در جهانی شدن حقوق بشر باعث گردیده تا مطالعات صلح مثبت در قالب نسل‌های حقوق بشر و مطالعات صلح منفی در قالب اصل مداخله بشر دوستانه و اصل مسئولیت حمایت در تعاملی دو طرفه با همپوشانی یکدیگر نهادینه شدن فرهنگ صلح در روابط بین‌الملل فراهم سازد. یافته‌های تحقیق علی همتی با عنوان جایگاه آموزش و پرورش در آموزش و توسعه ی فرهنگ صلح (مطالعه مروری) حاکی از آن است که برای تحقق صلح و جهانی شدن در هر جامعه‌ای به آموزش و فرهنگ‌سازی نیازمندیم. آموزش صلح منجر به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی خواهد شد که مردم هر کشور باید متناسب با ساختارهای ویژه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به آن عمل کند. دانش‌آموزان در مدارس آموزش می‌بینند تا دانش‌ها و ارزش‌ها را فراگیرند و آنها را در زندگی روزمره خود به کار برند که در این جا نقش کتب درسی و برنامه‌ریزان درسی بسیار مهم و اساسی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های این تحقیقات با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد.

در پایان می‌توان اذعان داشت شهروند جهانی مفهومی است حاصل بازاندیشی در عنصر شهروندی مدرن است شهروند جهانی حاصل از پیامدی فرهنگ صلح دارای سه مقوله تمدن‌سازی، ترویج فرهنگ شهروندی و جهانی شدن است از عناصر اصلی تدوین شده فرهنگ صلح است. جهانی شدن به صورت گسترده از مهمترین شاخصه‌های وضعیت بشری در جهان امروز و در نتیجه جهانی شدن است که منجر به ترویج فرهنگ شهروندی در جامعه خواهد شد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج پژوهش و اهمیتی که شهروند جهانی در نظام اجتماعی دارد پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اهمیت آموزش عالی در نظام اجتماعی برنامه‌های درسی و محتوای دروس و رشته‌ها در زمینه فرهنگ صلح تدوین گردد.
- سطح دانش و بینش و مهارت اساتید و کارکنان و مدیران نظام با توجه به سیاست‌های تربیت حرفه‌ای توسعه یابد.
- به استناد یافته‌های پژوهش یکی از محوری‌ترین عوامل موثر بر تربیت شهروند جهانی یادگیری مداوم و پایدار است که در جهت توسعه این امر بسیار مهم است.
- محیط شبکه‌ای و فن‌آرانه برای افزایش دانش فردی و اجتماعی ایجاد شود که به رشد آگاهی‌های اجتماعی و توسعه انسانی منجر شود.
- بر آموزش بیشتر فرهنگ صلح و در نتیجه پیامد فرهنگ صلح که شهروند جهانی است از طریق برنامه‌ای جامعه و یادگیرنده تاکید شود.

منابع

کافی، مجید و کاظمی مهرآبادی، رعنا و هوشیار آزاد (۱۳۹۲). نظریه‌پردازی ایرانی در حوزه مطالعات صلح: گامی فراتر از صلح دموکراتیک، اطلاعات سیاسی -

- اقتصادی سال بیست و هشتم، شماره ۲۹۴.
- میرکوشش، امیرهوشنگ و نوری صفا، شهرزاد (۱۳۹۲). هستی شناسی صلح بین‌المللی در بستر فرهنگ مدارا و صلح ایرانی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۸.
- گودرزی، مهناز؛ کفاش نیری، محمد (۱۳۹۸). جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین‌الملل. دوفصلنامه حقوق بشر، سال چهاردهم، شماره ۱.
- اشرافی، داریوش (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
- ساعده، نادر «ج» (۱۳۸۹). گفتمان صلح عادلانه: مبنا و معنا، در حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعده، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴). تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور. دانشگاه شاهد سال ۱۲، تیر ۱۳۸۴، ش ۱۱.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، صفار، اشرافی.
- زیرک، معصومه (۱۳۸۷). تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی-شماره‌های ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان.
- جنانی، افشین، ضیائی‌فر، منیژه (۱۳۸۱). اجلاس داووس برای جهانی شدن و راهکارهای جهانی شدن اقتصاد ایران، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی ۱۳۸۱.
- اشرافی، داریوش (۱۳۹۳). «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی» فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
- شفیعی، نوذر، پایفرد، کیانوش، مرادی، مجید (۱۳۹۲). تکنولوژی ارتباطات: هویت و صلح. نشریه مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، شماره ۲۱.
- ستوده آرانی، محمد و دانشیار، علیرضا (۱۳۸۸). «آسیب شناسی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۹، زمستان.
- شایسته‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی نقش الگویی رهبران جامعه در تداوم انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم شماره ۲۷.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶). تاثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کفاش نیری، محمد و گودرزی، مهناز (۱۳۹۸). جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین‌الملل. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۲۵.
- شفیعی، نوذر، پایفرد، کیانوش، مرادی، مجید (۱۳۹۲). تکنولوژی ارتباطات؛ هویت صلح، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، صفحات ۹-۳۲.
- Malesevic, Sinisa (۲۰۱۷). The Rise of Organized Brutality, London: Cambridge University Press.
- Galtung, J (۲۰۰۷). Twenty i veyears of peace research: Ten challenges and some responses, Journal of Peace Research.
- Richmond. P O (۲۰۰۸). Peace in international relations, New York, Routledge.
- Corbin, J & Strauss, A (۲۰۰۸). Basic of Qualitative Reasearch, ۳ed, Basic of qualitative research, Techniques and procedures for developing grounded theory, Thousand oak, USA: sage.
- Downing, S. M (۲۰۰۴). Reliability: on the reproducibility of assessment data, Medical Education, ۳۸ (۹).
- Glaser, B. G (۱۹۹۲). Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory, Sociology Press, San francisco, University of California.

Entrepreneurial Human Resource
Dunkel, M (۲۰۱۴). Jazz-Made in Germany and the Transatlantic Beginnings of Jazz Diplomacy, in Ahrendt, R, M. Ferraguto and D. Mahiet. (eds). Music and diplomacy from the early modern era to the present. Palgrave: Macmillan.

یادداشت

Shaw, Martin (۲۰۰۰). Global Society and International Relations: Sociological Concepts and Political Perspectives. Cambridge: Polity Press

Moghadam, A, Kamalian, A, Oraei Yazadni, B, Kord, B & Roshan, S (۲۰۱۷). "Explaining and Designing an

^۱Galtung

^۲Richmond

^۳Shaw

^۴Glaser

خبرگان را اساتید و صاحب نظران دانشگاهی در رشته های مدیریت امور فرهنگی، تاریخ بین الملل و مدیریت شهری شامل^۵ می شدند.

^۶Snowball Sampling

^۷Downing

با توجه به محدودیت های موجود در نشریه و به علت اینکه حجم مقاله بیش از حد مجاز نشود از ذکر کلیه کدها و شناسه ها خودداری شده^۸ است

